

سناریوهای مطرح در مورد آینده اقتصاد جهانی

محسن شریعتی نیا، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

ایلنا

اخیرا موسسه سیاستگذاری عمومی جهانی مستقر در برلین آلمان با همکاری دانشگاه پرینستون و موسسه بروکینگز ایالات متحده، دانشگاه فودان و آکادمی علوم اجتماعی چین و موسسه امور حکمرانی هرتی آلمان که جملگی از مهمترین نهادهای تحقیقاتی در این کشورها و نیز در پهنه جهانی به شمار می روند، گزارشی را در مورد آینده اقتصاد جهانی با تاکید بر مدیریت این حوزه تا سال ۲۰۲۰، منتشر کرده است. این گزارش حاصل سه کنفرانس بین المللی در مورد آینده اقتصاد جهانی است که از سوی این موسسه و با مشارکت صاحب نظران در برلین، واشنگتن و شانگهای برگزار شده است. در این گزارش تاکید بر روندها و چالشهای محتمل تاثیرگذار بر آینده اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۲۰ است. بر مبنای این مطالعات سه سناریو در مورد آینده اقتصاد جهانی تبیین شده است:

۱- حکمرانی جهانی فراگیر

این سناریو که آشکارا سناریویی خوشبینانه است بر مبنای گسترش و تعمیق فرایند جهانی شدن و آزادسازی تجاری در پهنه هرچه بیشتری از جهان قرار دارد. افزون بر این در این روند همگرایی منطقه ای نیز رو به تعمیق خواهد رفت و مدیریت نظام مالی جهانی بهبود خواهد یافت. آنچه در این سناریو واجد اهمیت ویژه ای است پیش بینی اتمام موفقیت آمیز مذاکرات دور دوحه در سال ۲۰۱۴ است. از دیگر نکات مهم، پذیرش نقش گسترده تر کشورهای پیشرو در جهان در حال توسعه در نهادهای بین المللی و در تصمیمات کلان مربوط به اقتصاد و تجارت جهانی است.

۲- پایان جهانی شدن و آغاز عصر منطقه گرایی

سناریوی دوم در واقع نقطه مقابل سناریو نخست است. در این سناریو پایان فرایند جهانی شدن و تبعات محتمل آن از اهمیت ویژه ای برخوردارند. در این سناریو اقتصاد جهانی به نوعی تکه تکه خواهد شد و ما در آینده با اقتصاد جهانی به معنایی که اکنون به کار می رود سر و کار نخواهیم داشت بلکه با مناطق اقتصادی ای که تا حد زیادی منفک از یکدیگر خواهند بود مواجه خواهیم شد.

۳- اقتصاد جهانی در هم ریخته

سناریوی سوم همانگونه که از نام آن پیداست، با بدبینی ویژه‌ای به آینده اقتصاد جهانی می‌نگرد و بالنتیجه حکمرانی جهانی در این حوزه را رو به محاق می‌بیند. در این چارچوب تداوم رکود اقتصادی در بخش‌های مختلف جهان و گسترش روند نظامی‌گری موجبات جنگ بر سر بازارها را فراهم خواهد آورد.

در واقع از این منظر اقتصاد جهانی در دهه آتی نوعی بازگشت به آینده را تجربه خواهد کرد، بدان معنا که در شرق نوعی همگرایی اقتصادی بر محور سرمایه‌داری دولتی شکل خواهد گرفت و رهبری آن را چین در دست خواهد داشت و کشورهایی چون ایران و روسیه از اعضای فعال آن خواهند بود. در دیگر سو غرب با محوریت ایالات متحده و بر مبنای اقتصاد بازار به دورانی از جنگ سرد اقتصادی باز خواهد گشت.

اما در وضعیت کنونی به نظر می‌رسد که نشانه‌های سناریوی دوم در روندهای اقتصاد جهانی بیش از دو سناریوی دیگر وجود دارد. شاهد این مدعا آنکه در سال‌های اخیر منطقه‌گرایی در اقتصاد جهانی به سرعت رو به رشد رفته و حتی کشورهایی چون ایالات متحده که به طور سنتی مدافع نهادهای اقتصاد جهانی بوده‌اند اخیراً به منطقه‌گرایی روی آورده‌اند. از آنجا که روند الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت با دشواری‌های متعددی مواجه است و در آینده‌ای نزدیک امکان تحقق آن وجود ندارد، توجه به روندهای منطقه‌گرایی به عنوان روند غالب در تجارت جهانی و گریز از حاشیه نشینی در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد.